

نظام خانواده

در منظر آیات و روایات

درسنامه چهارم:

آداب ازدواج در اسلام

نویسندگان:

مهدی میر حیدری

فاطمه شاه میرزایی

فهرست مطالب

۳	آداب ازدواج از دیدگاه اسلام.....
۳	ازدواج با انگیزه و نیت الهی.....
۵	نماز و دعا برای امر ازدواج.....
۶	مراسم خواستگاری
۷	دیدن
۸	رعایت شئونات اسلامی در مراسم خواستگاری
۹	معیارهای انتخاب همسر
۹	نظر خواهی از دختر
۱۰	مهریه.....
۱۱	نوع و مقدار مهریه.....
۱۲	وظیفه مردان در تعهد به پرداخت مهریه.....
۱۳	مهریه حضرت زهرا <small>علیها السلام</small>
۱۴	مهریه السنه
۱۶	پاداش بخشیدن مهریه.....
۱۷	شیربها.....
۱۸	جهزیه.....
۱۹	ویژگی‌های جهزیه اسلامی
۱۹	الف: ساده و دور از تجمل بودن
۲۰	ب: بی‌منت بودن.....
۲۱	مراسم جشن ازدواج
۲۲	بهترین زمان برای برگزاری مراسم ازدواج
۲۳	شادمانی در عروسی.....
۲۶	ولیمه دادن
۲۸	جایگاه استخاره در ازدواج
۳۰	تأخیر در ازدواج به علت فوت بستگان
۳۱	خود آزمایی
۳۲	کتابنامه

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

آداب ازدواج از دیدگاه اسلام

دین مبین اسلام برای افزایش مزایای دنیوی و ثواب اخروی هر فریضه و عملی، آداب و احکام مشخصی را تشریح و تبیین نموده است. اگرچه ازدواج، به خودی خود فریضه‌ای مستحب و بسیار با اهمیت شناخته می‌شود، اما اگر در انجام آن برخی نکات رعایت شود، با ثوابی صد چندان همراه خواهد بود. که در ادامه به چند نکته از آداب ازدواج اشاره خواهد گردید:

ازدواج با انگیزه و نیت الهی

در دین مبین اسلام عملی مقبول خداوند متعال خواهد بود که برای رضای او انجام شود. عملی که با نیت جلب خشنودی خداوند انجام پذیرفته دارای ارزش و ثواب بوده و در این دنیا مشمول رحمت الهی خواهد شد. طبق روایات و آموزه های دینی اسلام قبولی اعمال انسان وابسته به نیت و اخلاص آن می باشد. امام صادق علیه السلام فرمودند:

اجْعَلُوا أَمْرَكُمْ هَذَا لِلَّهِ وَلَا تَجْعَلُوهُ لِلنَّاسِ فَإِنَّهُ مَا كَانَ لِلَّهِ فَهُوَ لِلَّهِ وَمَا كَانَ لِلنَّاسِ فَلَا يَصْعَدُ
إِلَى اللَّهِ.
(کافی، ج ۲ ص ۲۹۳)

امر خود را برای خدا قرار دهید نه برای مردم، زیرا هر چه به منظور خدا باشد، برای خداست (او می پذیرد و پاداش می دهد) و هر چه برای مردم است، بسوی خدا بالا نرود (خدا نپذیرد و پاداش ندهد).

ازدواج نیز به عنوان یکی از فرائض و اعمالی که خداوند متعال آن را برای آرامش در زندگی انسان قرار داده از این امر مستثنی نبوده و نباید آن را صرفاً با دید دنیوی نگرست، بلکه علاوه بر آن اسلام، ازدواج را پیوندی مقدس دانسته که افراد اگر انجام آن را راهی برای جلب رضای الهی قرار دهند، نه تنها رحمت خداوند در این دنیا نصیب آنان خواهد شد بلکه ثواب اخروی عظیمی برای آنان به ارمغان خواهد آورد. ولی اگر انگیزه ازدواج تنها دستیابی به تمایلات ظاهری و مادی باشد، دیگر نباید اجر دنیوی، اخروی و امدادهای معنوی را از خداوند متعال انتظار داشت.

امام صادق (علیه السلام) درباره اهمیت انتخاب همسر با انگیزه و نیت الهی، فرمودند:

إِذَا تَزَوَّجَ الرَّجُلُ الْمَرْأَةَ لِجَمَالِهَا أَوْ مَالِهَا وَكِلَإِ إِلَى ذَلِكَ وَإِذَا تَزَوَّجَهَا لِدِينِهَا رَزَقَهُ اللَّهُ الْجَمَالَ
وَالْمَالَ

(کافی، ج ۵، ص ۳۳۳)

هر گاه مردی با زنی، به خاطر زیبایی یا دارایی اش ازدواج کند، به همان (زیبایی و دارایی) واگذار می شود و هر گاه به خاطر دینش با او ازدواج کند، خداوند زیبایی و دارایی نیز نصیبش می کند.

نماز و دعا برای امر ازدواج

دعا در فرهنگ اسلامی به معنی عرضه حاجات خود و یا دیگران به محضر خداوند متعال است. دعا فرصتی است که خدای تعالی در اختیار بندگانش قرار داده تا انسانها آمال و حاجات مادی و معنوی خود را به درگاه که او منشأ تمام خیرات و برکات است عرضه نموده و از این طریق راهی در جهت دستیابی به کمال و سعادت و سربلندی را برای خود ایجاد نمایند. دعا کردن همیشه بدین معنا نیست که از خدا امری مادی را برای خود بخواهیم.

خداوند برای کسی که خواسته خود را به درگاه و محضر او عرضه نماید، استجابات آن را بر وی ضمانت نموده است. چنان که در آیه ۱۶ سوره غافر می فرماید:

وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ.

و پروردگارتان فرمود مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم.

دستیابی به آمال و آرزوها نیازمند شرایط و عواملی است که ممکن است برخی از این موقعیت‌ها در زندگی انسان امری نامحتمل و گاهاً بعید باشد. مثلاً جوانی را در نظر بگیرید که مصمم به امر ازدواج است، اما نمی‌داند ازدواج چه تأثیری بر امور دنیا و آخرت او خواهد داشت. با توجه به اهمیت موضوع ازدواج و نقش اساسی آن در خوشبختی و یا شقاوت دنیوی و اخروی انسان، علاوه بر این که انسان باید همه تلاش خود را در شناخت و انتخاب فرد واجد شرایط انجام دهد، باید با ایمان و باور عمیق از خداوند متعال طلب خیر نماید، تا او که مسبب الاسباب است، زمینه‌های لازم برای این پیوند مقدس را فراهم کند. امام علی (علیه السلام) در این باره فرمودند:

مَنْ أَرَادَ مِنْكُمْ التَّزْوِيجَ فَلْيُصَلِّ رَكْعَتَيْنِ وَ لِيَقْرَأْ سُورَةَ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ وَ سُورَةَ يَسَ فَإِذَا فَرَغَ مِنَ الصَّلَاةِ فَلْيُحَمِّدِ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ وَ لِيَتَيْنِ عَلَيْهِ وَ لِيَقُلِ اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي زَوْجَةً صَالِحَةً وَ دُوداً وَ دُوداً شُكُوراً قَنُوعاً غَيْرَ غِيُورٍ إِنْ أَحْسَنْتُ شَكَرْتُ وَ إِنْ أَسَأْتُ غَفَرْتُ وَ إِنْ ذَكَرْتُ اللَّهَ تَعَالَى أَعَانَتْ وَ إِنْ نَسِيتُ ذَكَرَتْ وَ إِنْ خَرَجْتُ مِنْ عِنْدِهَا حَفِظَتْ وَ إِنْ دَخَلْتُ عَلَيْهَا سُرْتُ وَ إِنْ أَمَرْتَهَا أَطَاعَتْنِي وَ إِنْ أَقْسَمْتُ عَلَيْهَا أَبْرَتْ قَسَمِي وَ إِنْ غَضِبْتُ عَلَيْهَا أَرْضَتْنِي يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ هَبْ لِي ذَلِكَ فَإِنَّمَا أَسْأَلُكَ وَ لَا أَجِدُ إِلَّا مَا قَسَمْتَ لِي.

(بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۶۸)

هر یک از شما که خواست ازدواج کند، (نخست) دو رکعت نماز بگذارد و سوره حمد و یس را بخواند و آنگاه که از نماز فراغت یافت، ثنای خداوند متعال را به جا آورد و بگوید: بار خدایا! مرا همسری نیک و مهربان و زایا و سپاس‌گذار و قانع و پاک‌دامن روزی فرما! اگر نیکی کردم، سپاس‌گذاری کند و اگر بدی کردم، ببخشاید. اگر خدای بزرگ را یاد کردم کمک کند، اگر خداوند را فراموش کردم، یادآوری کند. هرگاه خانه را ترک کردم، خودش را حفظ کند. هر گاه بر او وارد شدم، خوشحال شود. اگر دستورش دادم، از من فرمان ببرد. هر گاه سوگندش دادم (که فلان کار را بکند یا نکند) بپذیرد. هر گاه به خشم آمدم، مرا خشنود سازد. ای خداوند با شکوه و بزرگووار! چنین زنی را به من ببخش، که من از تو درخواست می‌کنم به دست نمی‌آورم، مگر آنچه تو قسمت من کرده‌ای.

آنچه که از ادعیه رسیده از معصومین علیهم السلام می‌توان دریافت این است که انسان باید همه خواسته‌ها و حاجات خود را به ویژه در امر ازدواج از خداوند طلب نموده، اما در نهایت به آنچه خداوند متعال روزی و قسمت او نموده، کاملاً راضی باشد.

مراسم خواستگاری

با توجه به اهمیت انتخاب همسر شایسته در زندگی هر انسان، نباید ازدواج بدون مقدمات و آشنایی اولیه صورت پذیرد. طرفین ازدواج باید سعی نمایند که از طرف مقابل خود به شناخت کافی و لازم دست یابند. مراسم خواستگاری اگرچه مکانی برای پیشنهاد و بیان خواسته خانواده پسر از خانواده دختر در امر ازدواج است، اما آن را باید بهترین زمان برای شناخت دو خانواده و طرفین ازدواج از یکدیگر دانست. در شناخت جمعی و خواستگاری به شکل رسمی چون افراد زیادی در شناسایی نقش دارند، شناخت دقیق‌تر انجام می‌شود. افراد از جوانب گوناگون مورد سنجش قرار گرفته و با حضور والدین و سایر اطرافیان در کنار انسان، و با مشورت گرفتن از نظرات دیگران، دختر یا پسر جوان می‌توانند شناخت بهتر و درک جامع‌تری از خصوصیات خانواده و فرد مقابل داشته و در جهت انتخاب همسر شایسته از آن استفاده نمایند.

بسیاری از ازدواج‌هایی که به طلاق و شکست منجر می‌شود ناشی از این دیدگاه است که دختر یا پسر تصور می‌کنند که در موضوع ازدواج و انتخاب همسر نیازی به مشورت با والدین خود و دیگران ندارند. حضرت علی علیه السلام فرمودند:

مَنْ اسْتَبَدَّ بِرَأْيِهِ هَلَكَ وَ مَنْ شَاوَرَ الرَّجَالَ شَارَكَهَا فِي عُقُولِهَا. (نهج البلاغه، حکمت ۱۶۱)

هر کس خود رأی شد هلاک می‌شود و هر کس با افراد صاحب نظر مشورت کند در عقل آنان شریک می‌شود.

مهمترین مزیت ازدواج در روش خواستگاری مبتنی بر اصول دینی بر سایر روش‌ها در این است که، انسان با قرار گرفتن در موضع مراسم خواستگاری همسر خود را بر اساس معیارهای عقلی و بدون احساسات مورد ارزیابی قرار می‌دهد و برای قبول و یا رد فرد مقابل متضمن هیچ‌گونه تعهدی نخواهد شد. در صورتی که در روش‌های غربی دختر

و پسر (یا در حالت کلی زن و مرد) قبل از شناخت از یکدیگر نسبت به هم رابطه ای دوستانه ای را ایجاد نموده و در صورت وجود نقاط مشترک با هم ازدواج می نمایند. این روش نه تنها مغایر با اصول دینی و مذهبی ما مسلمانان می باشد، بلکه روابط غیر متعارف مرد و زن ابتدا در یک زمان کوتاه باعث ایجاد دل بستگی بین دو طرف شده، اما بر اثر شناخت بیشتر و بروز یک روند احساسات

حضرت علی علیه السلام انتخاب یک دوست و همراه خوب با معیارهای عقلی را یک ضرورت دانسته اند و فرمودند:

مَنْ اتَّخَذَ أَخًا بَعْدَ حُسْنِ الْاِخْتِيَارِ دَامَتْ صُحْبَتُهُ وَ تَأَكَّدَتْ مَوَدَّتُهُ، وَ مَنْ اتَّخَذَ أَخًا مِنْ غَيْرِ
اِخْتِيَارِ اَلْجَاهِ الْاِضْطِرَارُ اِلَى مُرَاقَقَةِ الْاَشْرَارِ. (شرح غررالحکم و دررالکلم، ج ۵، ص ۲۵۷۷)

کسی که پس از یک امتحان خوب، دوستی برگزیند رفاقت و دوستی آن ها دایمی و مودت ایشان محکم خواهد بود، و کسی که بدون امتحان و دقت در احوال دیگران، دوست و برادری برگزیند به افراد شرور و گم راه گرفتار می شود.

دیدن

داشتن همه صفات شایسته به طور همزمان در یک فرد امری نادر است، اما انسان باید در انتخاب خود بیشترین دقت را نموده و قبل از تصمیم گیری ابتدا درباره ی فرد مورد نظر تحقیق نماید. رسول خدا صلی الله علیه و آله در این باره فرمودند:

إِذَا أَرَادَ أَنْ يَتَزَوَّجَ امْرَأَةً بَعَثَ إِلَيْهَا مَنْ يَنْظُرُ إِلَيْهَا. (سنن النبی، ص ۱۴۷)

هنگامی که مردی خواست با زنی ازدواج کند، به سوی آن زن کسی را بفرستد تا او را ببیند (مورد ارزیابی قرار دهد).

امام صادق علیه السلام درباره ضرورت دیدن و انتخاب زن شایسته فرمودند:

إِنَّمَا الْمَرْأَةُ قِلَادَةٌ فَانظُرْ مَا تَتَّقَلُّدُ. (وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۳۳)

زن همانا گردنبندی است، نیک بنگر که چه گردنبندی را به گردنت آویزان می کنی.

اهمیت امر ازدواج به قدری است که علی‌رغم این که نگاه کردن به نامحرم امری حرام تلقی می‌گردد، اما شرع مقدس اسلام به طرفین اجازه می‌دهد، قبل از ازدواج برای شناخت و آگاهی بیشتر به صورت محدود و با رضایت طرفین، یکدیگر را نظاره و ارزیابی کنند. پیامبر اکرم ﷺ در این باره فرمودند:

نَعَمْ لَا بَأْسَ بَأَنْ يَنْظُرَ الرَّجُلُ إِلَى الْمَرْأَةِ إِذَا أَرَادَ أَنْ يَتَزَوَّجَهَا يَنْظُرَ إِلَى خَلْفِهَا وَإِلَى وَجْهِهَا

(کافی، ج ۵، ص ۳۶۵)

مانعی ندارد که مرد قامت و صورت زنی را که قصد ازدواج با او را دارد، ببیند.

محمد بن مسلم می‌گوید: از امام محمد باقر (علیه السلام) پرسیدم: مردی که می‌خواهد با زنی ازدواج کند آیا حق دارد او را ببیند؟ امام (علیه السلام) فرمودند:

(وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۸۷)

نَعَمْ إِنَّمَا يَشْتَرِيهَا بِأَعْلَى الثَّمَنِ.

آری، چون در برابر آن بهای سنگینی می‌پردازد.

رعایت شئون اسلامی در مراسم خواستگاری

اگرچه اسلام به پسر و دختری که قصد ازدواج با یکدیگر را دارند این امکان را داده که برای آشنایی با خصوصیات و ویژگی‌های طرف مقابل با دقت بیشتری به ارزیابی یکدیگر بپردازند، اما این مراحل خواستگاری تنها می‌تواند در چارچوب قوانین و احکام اسلام صورت پذیرد، تا منجر به معصیت و گناه نگردد. صحبت‌های دختر و پسر در مراسم خواستگاری اگر از حد شرع و احکام اسلامی تجاوز نماید و با اعمالی مانند شوخی‌های نامناسب، کلام عاشقانه، نگاه‌های شهوت‌انگیز، تماس بدنی و اعمالی از این قبیل همراه گردد، ممکن است این ارتباط به طرف ناهنجاری اخلاقی کشیده شده، و باعث ایجاد روابط نامتعارف بین پسر و دختر خارج از چارچوب ازدواج شود.

در روایات آمده، مردی از حضرت صادق علیه السلام پرسید؛ آیا مردی که قصد ازدواج دارد حق دارد به مو و زیبائیهای زن مورد نظرش نگاه کند؟ امام علیه السلام فرمودند:

(کافی، ج ۵، ص ۳۶۵)

لَا بَأْسَ بِذَلِكَ إِذَا لَمْ يَكُنْ مُتَلَدِّدًا.

اشکالی ندارد مشروط بر اینکه مقصودش التذاذ نباشد.

معیارهای انتخاب همسر

بر اساس فرامین دین اسلام و اهل بیت علیهم السلام برای اینکه یک مسلمان در امر ازدواج دچار خطا و اشتباه نشود و اسباب شکست زندگی خود را فراهم ننماید، باید ملاکها و معیارهایی را برای انتخاب همسر شایسته مدنظر داشته باشد، و در جزوات قبل به طور مفصل به شرح آن پرداختیم، که به طور اجمال می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

هم کفو بودن زوجین، اصالت خانوادگی، داشتن اوصاف اخلاقی شایسته که در مردان شامل ایمان و تقوا، حسن خلق، غیرت، صبر و بردباری، صداقت، وفاداری به عهد و پیمان، فعال و پرتلاش بودن، مشتاق بودن به کسب علم، دارا بودن توانایی در مدیریت و سرپرستی خانواده و اوصاف اخلاقی زن شایسته که عبارت است از؛ تقوا و تدین، عفت و حیا، تواضع و فروتنی و قناعت، زیبایی صورت و سیرت و ...

نظرخواهی از دختر

یکی از موضوعاتی که در موفقیت زندگی مشترک نقش به سزایی دارد، موافقت دختر برای ازدواج است. موافقت دختر در امر انتخاب همسر آینده خود متضمن عشق و محبت بین او و همسرش خواهد بود. به همین دلیل والدین باید نظر دختر خود را در مورد ازدواج جويا شوند و اگر دیدگاه و نظر او معقول و منطقی بود، بدون سختگیری از او بپذیرند

و اگر از روی کمی تجربه مرتکب اشتباه در انتخاب می‌شود، سعی کنند با سعی صدر و در فضایی آرام و بدون تشنج با او صحبت نموده و او را در اتخاذ یک تصمیم منطقی کمک و راهنمایی نمایند.

امام خمینی (قدس سره الشریف) در کتاب تحریر الوسیله فرمودند:

از زمانی که دختر بالغه رشیده شد، احتیاط آن است که اذن پدر یا جدّ و نیز اذن دختر، هر دو در امر ازدواج دختر، در نظر گرفته شود. (تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۲۵۴)

رسول خدا ﷺ در امر خواستگاری امیرالمؤمنین (علیه السلام) از دختر گرامی‌شان حضرت زهرا (علیها السلام)، با این که حضرت علی (علیه السلام) را از همه جهات تأیید می‌کردند، اما با این وجود به دختر گرامی خود فرمودند:

إِنِّي قَدْ سَأَلْتُ رَبِّي أَنْ يُزَوِّجَكَ خَيْرَ خَلْقِهِ وَأَحَبَّهُمْ إِلَيْهِ وَقَدْ ذَكَرَ مِنْ أَمْرِكِ شَيْئاً فَمَا تَرَيْنَ
فَسَكَتَتْ وَلَمْ تُؤَلِّ وَجْهَهَا وَلَمْ يَرَ فِيهِ رَسُولُ اللَّهِ ص كَرَاهَةً فَقَامَ وَهُوَ يَقُولُ اللَّهُ أَكْبَرُ سَكُوتُهَا
إِقْرَأُهَا.

(بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۹۳)

من از پروردگرم خواسته‌ام تو را به ازدواج بهترین و محبوب‌ترین بندگانش نزد خود درآورد و علی (علیه السلام) سخن از خواستگاری تو به میان آورده. فاطمه جان نظر شما در این مورد چیست؟ حضرت زهرا (علیها السلام) سکوت اختیار کردند و رویش را نیز برنگرداند و رسول خدا ﷺ در چهره ایشان کراهت و ناراحتی ندیدند. سپس ایشان ایستاد و فرمودند: سکوت دخترم نشان دهنده‌ی رضایت وی به این ازدواج است.

مهریه

مرد به هنگام اجرای صیغه نکاح، چیزی را به همسرش تقدیم می‌کند که در اصطلاح «مهریه» یا صداق نامیده می‌شود. مهریه هدیه و بخششی است که از طرف مرد به زن هبه می‌شود. مهر تدبیری از ناحیه خداوند متعال برای بالا بردن ارزش زن، شخصیت بخشیدن به او و حفظ کرامت زن از حیث خانوادگی و اجتماعی و پایبندی به زندگی مشترک و ارتباط زناشویی است.

نوع و مقدار مهریه

در آموزه‌های دینی اسلام برای مهریه، مقدار معینی تعیین نشده است، بلکه این امر به توافق زن و مرد بستگی دارد.

امام باقر (علیه السلام) در این باره فرمودند:

الصَّدَاقُ مَا تَرَضِيَ عَلَيْهِ مِنْ قَلِيلٍ أَوْ كَثِيرٍ فَهَذَا الصَّدَاقُ. (کافی، ج ۵، ص ۳۷۸)

مهریه همان چیزی است که طرفین بر آن توافق می‌کنند، کم باشد یا زیاد.

تعیین مقدار مهریه به توافق دختر و پسر بستگی دارد و آنان هر طور که با یکدیگر توافق کنند و قرار بگذارند حلال

است. همچنین در نوع مهریه نیز محدودیتی وجود ندارد و هر چیزی که ارزش اقتصادی و اجتماعی داشته باشد؛ مانند

طلا، نقره، املاک، پول‌های رایج، لوازم زندگی و حتی آموزش قرآن یا آموزش مهارتی ویژه، می‌تواند مهریه قرار گیرد.

خداوند متعال در آیه ۴ سوره نساء فرموده است:

وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً...

به زنان به عنوان پیشکش و هدیه مهرشان را ادا کنید...

در قرآن از مهریه به صدق تعبیر شده است. صدق از مشتقات واژه صدق است و در این جا به معنی راستین بودن

پیمان زناشویی مرد به همسر خود است. صدق به مفهوم پاک بودن عشق و علاقه او از هرگونه فریب، هوس و شهوت

است. "نحله" یعنی هدیه و عطیه که از طرف مرد به زن برای جلب نظر و رضایت او هبه می‌گردد، نه ثمن، بها یا پولی

که برای خرید کالایی پرداخت می‌شود. ارزش معنوی مهریه بیشتر از ارزش مادی آن برای زن می‌باشد و وجود آن

تأثیر روان شناختی ویژه‌ای بر احساسات و عاطفه زن داشته و وی احساس می‌کند مرد به او علاقه‌مند است و علاقه

خود را در میدان عمل نیز نشان داده و حاضر است هزینه آن را در زندگی بپردازد.

یکی از علل تأکید اسلام بر پرداخت مهریه، ارزش اقتصادی آن برای زنان است. وضعیت اقتصادی زنان به علت شرایط

ویژه بانوان مانند؛ بارداری و زایمان و برعهده گرفتن مسئولیت خانه‌داری، همواره پایین‌تر از مردان بوده از این رو

قرار دادن مهریه و پرداخت آن، پشتوانه اقتصادی نسبتاً مطمئنی را برای او فراهم می‌آورد تا با دلگرمی بیشتری به

ایفای مسئولیت‌های خانوادگی و زناشویی بپردازد.

وظیفه مردان در تعهد به پرداخت مهریه

دین مبین اسلام از مردان می خواهد به تعهدات خود در مورد مهریه همسر پای بند باشند و تلاش خود را برای ادای این دین انجام دهند. جابر از امام محمد باقر علیه السلام نقل می کند: عده ای بر امام حسین علیه السلام وارد شدند؛ ناگاه فرش ها و پستی های فاخر و زیبا را در منزل آن حضرت علیه السلام مشاهده نمودند. عرض کردند: ای فرزند رسول خدا! ما در منزل شما وسایل و چیزهایی مشاهده می کنیم که ناخوشایند ماست. حضرت علیه السلام فرمودند:

أَنَا نَتَزَوَّجُ النِّسَاءَ فَنُعْطِيهِنَّ مَهْرَهُنَّ فَيَشْتَرِينَ بِهَا مَا شِئْنَا لَيْسَ لَنَا مِنْهُ شَيْءٌ.

(کافی، ج ۶، ص ۴۷۶)

ما پس از ازدواج با زنان، مهریه آنان را به خودشان می دهیم و آنان هر چه بخواهند با آن می خرند و آنچه خریده اند، [از آن خودشان است و] به ما تعلق ندارد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله مردی را که حق مهریه همسرش را نپردازد، در زمره زناکاران دانسته و فرمودند:

مَنْ ظَلَمَ امْرَأَةً مَهْرَهَا فَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ زَانٍ.

(بحار الانوار، ج ۷، ص ۲۱۳)

کسی که مهر زن را ظالمانه نپردازد، نزد خداوند زناکار محسوب می شود.

و امام صادق علیه السلام عدم پرداخت حق مهریه زنان را هم رتبه گناهی مانند قتل نفس دانستند و فرمودند:

أَقْدَرُ الذُّنُوبِ ثَلَاثَةٌ قَتْلُ الْبَهِيمَةِ وَ حَبْسُ مَهْرِ الْمَرْأَةِ وَ مَنَعُ الْأَجِيرِ أَجْرَهُ.

(بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۱۶۹)

پلید کارترین گناه قتل نفس، خودداری از پرداخت مهر، و نپرداختن اجرت کارگر مزدبگیر است.

اگر مردی می داند که توانایی پرداخت مهریه ای که از سوی خانواده زن معین شده را ندارد، نباید با این دیدگاه که مهریه را چه کسی داده و چه کسی گرفته، زیر بار این دین برود. چون در پیشگاه الهی و در مقابل همسرش مسئول است و بدون رضایت همسرش این دین بخشیده نخواهد شد.

امام حسن مجتبی (علیه السلام) در این باره فرمودند:

الْمَسْئُولُ حُرٌّ حَتَّى يَعِدَّ وَ مُسْتَرْقٌ الْمَسْئُولُ حَتَّى يُنْجِزَ. (بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۱۱۳)

انسان تا وعده‌ای نداده، آزاد است. اما وقتی وعده می‌دهد زیر بار مسئولیت می‌رود، و تا به وعده‌اش عمل نکند، رها نخواهد شد.

مهریه حضرت زهرا (علیها السلام)

در روایات متعددی سخن از مهریه‌ی مادی و معنوی حضرت زهرا (علیها السلام) به میان آمده است. مهریه مادی ایشان همان زره حضرت علی (علیه السلام) بود که ایشان آن را به پانصد درهم فروختند و پول آن را به عنوان مهریه به حضرت زهرا (علیها السلام) پرداخت نمودند. در مورد مهریه‌ی معنوی حضرت در روایات آمده است؛ از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) پرسیدند:

قَدْ عَلِمْنَا مَهْرَ فَاطِمَةَ فِي الْأَرْضِ فَمَا مَهْرُهَا فِي السَّمَاءِ قَالَ سَلْ عَمَّا يَعْنِيكَ وَ دَعْ مَا لَا يَعْنِيكَ
قِيلَ هَذَا مِمَّا يَعْنِينَا يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ كَانَ مَهْرُهَا فِي السَّمَاءِ خُمْسَ الْأَرْضِ فَمَنْ مَشَى عَلَيْهَا
مُغْضِبًا لَهَا وَ لَوْلَدَهَا مَشَى عَلَيْهَا حَرَامًا إِلَى أَنْ تَقُومَ السَّاعَةُ.

(بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۱۳)

مهریه زمینی فاطمه زهرا (علیها السلام) را دانستیم، بفرمایید که مهریه آسمانی آن حضرت چه بود؟ رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمودند: از آنچه به تو مربوط است بپرس و آنچه را که به تو مربوط نیست رها کن. گفتند: این به ما مربوط است. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: مهریه آسمانی فاطمه (علیها السلام) یک پنجم زمین است و هرکس دشمن او و فرزندان او باشد و روی زمین راه برود تا روز قیامت مرتکب کار حرام می‌شود.

دیدگاه اهل بیت (علیهم السلام) در مورد مهریه به گونه‌ای است که توصیه‌های اخلاقی مؤکدی بر عدم افراط در تعیین مهریه‌های بالا داشتند و از زنان می‌خواستند در این امر زیاده‌روی نکنند. پایین بودن مهریه زنان را از نشانه‌های فضیلت و برکت زنان از دیدگاه اسلام است، رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمودند:

أَفْضَلُ نِسَاءِ أُمَّتِي أَصْبَحُنَّ وَجْهًا وَأَقْلُنَّ مَهْرًا. (وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۳۱)

با برکت ترین زنان، زنی است که رویش خویتر و مهریه اش کمتر باشد.

امام صادق علیه السلام کمی مهریه زنان را عامل ایجاد برکت در زندگی زناشویی دانسته‌اند و فرمودند:

أَنَّ مِنْ بَرَكَاتِ الْمَرْأَةِ قَلَّةَ مَهْرِهَا.

(مکارم الاخلاق، ص ۱۹۸)

از برکات زن کمی مهریه اوست.

دختران با کرامت با تأسی از خاندان رسالت علیهم السلام، به ویژه حضرت زهرا علیها السلام، در مسئله صدق و مهریه سخت‌گیری نمی‌کنند. البته منظور از پایین بودن مقدار مهریه در این احادیث به مفهوم رعایت حد اعتدال در میزان مهریه است، و همانگونه که افراط در آن صحیح نیست، تفریط و پایین بودن آن نیز مردود می‌باشد. امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمودند:

إِنِّي لَأَكْرَهُ أَنْ يَكُونَ الْمَهْرُ أَقْلَ مِنْ عَشْرَةِ دَرَاهِمٍ لَيْثًا يُشْبِهَ مَهْرَ الْبَغِيِّ.

(وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۲۵۳)

دوست ندارم مهر زن، کمتر از ده درهم باشد تا با پولی که در مورد زنا پرداخت می‌شود تشابه نداشته باشد.

مهر السنّه

با توجه به موقعیت، جایگاه و تمکن مالی افراد مختلف در جامعه، دین اسلام مقدار ثابت و واحدی را برای مهریه تعیین نکرده است و مسلمانان را در انتخاب میزان و نوع مهریه آزاد گذاشته است. اما بر اساس آنچه که از روایات و احادیث ائمه اطهار علیهم السلام مشخص می‌شود، مهریه همسران و دختران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و به پیروی از ایشان مهریه دختران ائمه معصومین علیهم السلام مقدار ثابت و مشخصی بوده که در سیره اهل بیت علیهم السلام و منابع اسلامی از آن به عنوان مهر السنّه نام برده می‌شود. مقدار مهر السنّه که برابر مهریه حضرت خدیجه علیها السلام و فاطمه علیها السلام است، بر اساس فرمایش اهل بیت علیهم السلام برابر ۵۰۰ درهم می‌باشد.

از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمودند:

إِذَا تَزَوَّجْتَ فَاجْهَدِي أَنْ لَا تُجَاوِزَ مَهْرَهَا مَهْرَ السَّنَةِ وَهُوَ خَمْسُمِائَةِ دِرْهَمٍ فَعَلَى ذَلِكَ زَوْجٌ
رَسُولُ اللَّهِ ص وَتَزَوَّجَ نِسَاءَهُ.

(بحارالانوار، جلد ۱۰۰، ص ۳۵۰)

هر گاه ازدواج کردی بکوش تا مهر آن از مهر السنه تجاوز نکند. بر همین میزان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دختران خود را شوهر می داد و همسر می گرفت.

در حدیثی از حسین بن خالد از مریدان امام رضا علیه السلام روایت گردیده، که از امام رضا علیه السلام پرسیدم؛ چرا مقدار مهر السنه پانصد درهم نقره تعیین گردید؟ حضرت علیه السلام در پاسخ فرمود:

إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَوْجَبَ عَلَيَّ نَفْسِي أَلَّا يُكَبِّرَهُ مُؤْمِنٌ مِائَةَ تَكْبِيرَةٍ وَيُسَبِّحُهُ مِائَةَ تَسْبِيحَةٍ
وَيُحَمِّدُهُ مِائَةَ تَحْمِيدَةٍ وَيُهَلِّلُهُ مِائَةَ تَهْلِيلَةٍ وَيُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ مِائَةَ مَرَّةٍ ثُمَّ يَقُولُ اللَّهُمَّ
زَوِّجْنِي مِنَ الْحُورِ الْعِينِ إِيَّاهُ زَوَّجَهُ اللَّهُ حَوْرَاءَ عَيْنٍ وَجَعَلَ ذَلِكَ مَهْرَهَا ثُمَّ أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ
جَلَّ إِلَيَّ نَبِيِّهِ ص أَنْ سُنَّ مَهْرُ الْمُؤْمِنَاتِ خَمْسُمِائَةِ دِرْهَمٍ فَفَعَلَ ذَلِكَ رَسُولُ اللَّهِ ص وَأَيُّمَا
مُؤْمِنٍ خَطَبَ إِلَيَّ أَخِيهِ حُرْمَتَهُ فَقَالَ خَمْسُمِائَةِ دِرْهَمٍ فَلَمْ يُزَوِّجْهُ فَقَدْ عَقَّهْ وَاسْتَحَقَّ مِنَ اللَّهِ
عَزَّ وَجَلَّ إِيَّاهُ يُزَوِّجُهُ حَوْرَاءَ.

(کافی، جلد ۵، ص ۳۷۶)

خداوند بر خود واجب کرده که اگر انسان با ایمان صد بار "الله اکبر" و صد بار "سبحان الله" و صد بار "الحمد لله" و صد بار "لا اله الا الله" بگوید و صد بار "صلوات بر محمد و آله" بفرستد، بعد عرض کند: خدایا مرا با حورالعین تزویج کن. حتما خداوند حورالعین را در آخرت همسر او می گرداند و همین اذکار که جمعا پانصد بار می شود مهر آن حورالعین است. سپس خداوند به پیامبرش وحی کرد که: مهریه های زنهای با ایمان را پانصد درهم سنت کن. رسول خدا صلی الله علیه و آله همین مقدار را برای مهریه سنت نمود. سپس فرمود: هر مومنی که از دختر شخص مسلمانی خواستگاری کند و پانصد درهم به عنوان مهریه بذل کند، ولی آن شخص مسلمان این مبلغ را کم شمرده و جواب رد بدهد، با خواستگار بد رفتاری و نامهربانی کرده است و سزاوار است که خداوند او را در قیامت همسر حوریان بهشتی ننماید.

پاداش بخشیدن مهریه

قرآن کریم در آیه چهارم سوره نساء می‌فرماید:

وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً فَإِنْ طِبْنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَرِيئًا.

و مهر زنان را (به طور کامل) بعنوان یک بدهی (یا یک عطیه) به آنها بپردازند و اگر آنها با رضایت خاطر چیزی از آنرا به شما ببخشند آنرا حلال و گوارا مصرف کنید.

خداوند متعال مهریه را حق مسلم زنان دانسته است، اما از طرفی در قبال بخشیدن این حق مسلم به عنوان یک عمل مستحب، به آنان اجر و پاداش عظیمی عنایت می‌نماید. بسیاری از زنان با توجه به آموزه های اخلاقی دین اسلام در جهت حمایت و مراعات همسران خود و ایجاد استحکام کانون خانواده، تا پایان عمر از درخواست حقوق مشروع خود امتناع ورزیده و حتی از این حق خود نیز گذشت می‌نمایند و آن را به همسر خود می‌بخشند. این عمل علاوه بر اجر و ثواب اخروی و تأثیر مثبت بر روح و روان و تقویت حس عزت نفس در وجود خود فرد، باعث می‌شود همسر او در تمام مراحل زندگی قدردان این سخاوت و بخشش باشد، و موجب تقویت عشق و علاقه بین اعضای خانواده خواهد شد.

رسول خدا ﷺ فرمودند:

أَيُّمَا امْرَأَةٍ تَصَدَّقَتْ عَلَى زَوْجِهَا بِمَهْرٍهَا قَبْلَ أَنْ يَدْخُلَ بِهَا إِلَّا كَتَبَ اللَّهُ لَهَا بِكُلِّ دِينَارٍ عِتْقَ رَقَبَةٍ.

(وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۲۸۴)

هر زنی که قبل از زناشویی مهر خود را به همسرش ببخشد، خداوند در مقابل هر دیناری که می‌بخشد، پاداش آزاد کردن یک برده را در نامه اعمال او ثبت می‌کند.

سوال شد؛ بخشش مهر پس بعد از پیوند زناشویی چگونه است؟ حضرت ﷺ فرمودند:

إِنَّمَا ذَلِكَ مِنَ الْمَوَدَّةِ وَالْأُلْفَةِ.

(مکارم الاخلاق، ص ۲۳۷)

این امر نشانه دوستی و علاقه‌مندی ایشان به یکدیگر است.

و در حدیث دیگری از پیامبر اکرم ﷺ آمده است:

أَيُّمَا امْرَأَةٍ وَهَبَتْ صَدَاقَهَا لِزَوْجِهَا فَلَهَا بِكُلِّ مِثْقَالِ ذَهَبٍ كَأَجْرِ عَتِقِ رَقَبَةٍ.

(ارشاد القلوب، ج ۱، ص ۱۷۴)

هر زنی که مهریه خود را به شوهرش ببخشد، برای هر درهمی ثواب آزاد کردن بنده‌ای برایش منظور می‌گردد.

و امام صادق (علیه السلام) پاداش چنین عملی را فراتر از آن و همنشینی در جوار حضرت فاطمه (علیها السلام) در سرای آخرت دانسته‌اند و فرمودند:

ثَلَاثٌ مِنَ النِّسَاءِ يَرْفَعُ اللَّهُ عَنْهُنَّ عَذَابَ الْقَبْرِ وَ يَكُونُ مَحْشَرُهُنَّ مَعَ فَاطِمَةَ بِنْتِ مُحَمَّدٍ ﷺ امْرَأَةٌ صَبَرَتْ عَلَى غَيْرَةِ زَوْجِهَا وَ امْرَأَةٌ صَبَرَتْ عَلَى سُوءِ خُلُقِ زَوْجِهَا وَ امْرَأَةٌ وَهَبَتْ صَدَاقَهَا لِزَوْجِهَا يُعْطَى اللَّهُ كُلَّ وَاحِدَةٍ مِنْهُنَّ ثَوَابَ أَلْفِ شَهِيدٍ وَ يَكْتُبُ لِكُلِّ وَاحِدَةٍ مِنْهُنَّ عِبَادَةَ سَنَةٍ.

(وسائل الشيعة، ج ۲۱، ص ۲۸۵)

سه گروه از زنانند که خداوند عذاب قبر را از آنان برطرف کرده و با فاطمه‌زهرا (علیها السلام) در قیامت محشور خواهند شد: زنی که در برابر غیرت شوهرش صبر کند و زنی که در برابر بد اخلاقی همسرش شکیبیا باشد و زنی که مهریه‌اش را به شوهرش می‌بخشد.

شیربها

شیربها از رسوم قدیمی در امر ازدواج است که در برخی از جوامع توسط خانواده عروس از خانواده داماد مطالبه می‌شود، زیرا خانواده عروس با این ازدواج یکی از افراد خانواده خود را از دست می‌دهد. به همین دلیل در بسیاری از جوامع روستائی شوهر دادن دختر به مفهوم از دست دادن یک عضو فعال خانواده است که اغلب با دریافت شیربها آن را جبران می‌کنند و خانواده داماد برای جبران زحمات گذشته و احساس کمبود و خلأ ناشی از نبود فرزند برای

والدین عروس هدیه‌ای مادی یا معنوی را در نظر می‌گیرند. اما نکته قابل اهمیت این است که در دین اسلام چیزی به عنوان شیربها که از جانب خداوند متعال و ائمه اطهار علیهم‌السلام بدان اشاره شده باشد وجود ندارد، و بود و نبود این موضوع در مقدمات ازدواج تأثیری بر صحت یا عدم صحت عقد زوجین ایجاد نداشته و یک امر ضروری در مراسم ازدواج محسوب نمی‌شود. امام رضا علیه‌السلام در این باره فرمودند:

لَوْ أَنَّ رَجُلًا تَزَوَّجَ امْرَأَةً وَجَعَلَ مَهْرَهَا عِشْرِينَ أَلْفًا وَجَعَلَ لِأَبِيهَا عَشْرَةَ أَلْفٍ كَانَ الْمَهْرُ جَائِزًا
وَ الَّذِي جَعَلَ لِأَبِيهَا فَاسِدًا.

(کافی، ج ۵، ص ۳۸۴)

اگر مردی با زنی ازدواج کند و مهر او را بیست هزار دینار یا درهم قرار دهد و شرط کند که ده هزار هم به پدرش بدهد، مهر جایز است ولی آنچه را برای پدر دختر قرار داده فاسد است.

البته اگر مردی در قالب شرط ضمن عقد با رضایت طرفین متضمن آن گردد، بر اساس حکم مقدس اسلام موظف به پرداخت آن می‌باشد.

جهزیه

جهزیه از فعل جهز گرفته شده و به معنای مهیا و آماده کردن جهاز عروس، لشکر یا مسافر است. بنابراین جهزیه به معنای آماده کردن وسایل اولیه زندگی عروس و داماد در ابتدای پیوند زناشویی است. جهزیه دادن از سنت‌هایی است که قبل از دین اسلام بوده و دین اسلام آن را به عنوان یک امر مستحب پذیرفته است. در واقع در این کار، والدین دختر هنگام رفتن به خانه‌ی شوهر مقداری از وسایل و اسباب را برای آنان مهیا نموده تا بتوانند در شروع پیوند زناشویی خود زندگی آسوده و راحت‌تری را آغاز نمایند، و برخی از نیازهای ضروری خود را به وسیله آن برطرف کنند.

مسئله تهیه جهزیه مانند سایر موضوعات پیرامونی امر ازدواج برای این که از خطا و اصراف مصون باشد، لازم است همه ما سیره اهل بیت علیهم‌السلام را الگویی برای خود قرار دهیم.

ویژگی‌های جهیزه اسلامی

الف: ساده و به دور از تجمل بودن

بر اساس روایات، حضرت زهرا علیها السلام الگوی تمام بانوان مسلمان، جهیزه بسیار ساده‌ای داشتند. چنان که ذکر شد، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله جهیزه ایشان را از مهریه‌ای که حضرت علی علیه السلام به دختر گرامیشان داده بودند، تهیه کردند. ایشان جهیزه حضرت زهرا علیها السلام را از حلال‌ترین مال یعنی مهریه تهیه نمودند. عمل ایشان باعث شد، هم مهریه‌ی حضرت علیها السلام در ابتدای زندگی نقدا پرداخت شود و هم هزینه جدیدی برای تامین لوازم زندگی بر عهده‌ی حضرت علی علیه السلام قرار نگیرد. امام علی علیه السلام در مورد جهیزه‌ی حضرت زهرا علیها السلام فرمودند:

قَبِضَ رَسُولُ اللَّهِ صَ قَبْضَةً مِنَ الدَّرَاهِمِ وَ دَعَا بِأَبِي بَكْرٍ فَدَفَعَهَا إِلَيْهِ وَ قَالَ يَا أَبَا بَكْرٍ اشْتَرِ بِهَذِهِ الدَّرَاهِمِ لِابْنَتِي مَا يُصْلِحُ لَهَا فِي بَيْتِهَا وَ بَعَثَ مَعَهُ سَلْمَانَ وَ بِلَالًا لِيُعِينَاهُ عَلَى حَمْلِ مَا يَشْتَرِيهِ قَالَ أَبُو بَكْرٍ وَ كَانَتْ الدَّرَاهِمُ الَّتِي أُعْطَانِيهَا ثَلَاثَةً وَ سَتِينَ دِرْهَمًا فَانْطَلَقْتُ وَ اشْتَرَيْتُ فِرَاشًا مِنْ خَيْشٍ مِصْرَ مَحْشُورًا بِالصُّوفِ وَ نَطْعًا مِنْ أَدَمٍ وَ سَادَةً مِنْ أَدَمٍ حَشُورًا مِنْ لَيْفِ النَّخْلِ وَ عَبَاءَةً خَيْبَرِيَّةً وَ قَرْبَةَ لِلْمَاءِ وَ كِيزَانًا وَ جِرَارًا وَ مِطْهَرَةً لِلْمَاءِ وَ سِتْرَ صُوفٍ رَقِيقًا وَ حَمَلْنَاهُ جَمِيعًا حَتَّى وَضَعْنَاهُ بَيْنَ يَدَيْ رَسُولِ اللَّهِ صَ فَلَمَّا نَظَرَ إِلَيْهِ بَكَى وَ جَرَتْ دُمُوعُهُ ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ إِلَى السَّمَاءِ وَ قَالَ اللَّهُمَّ بَارِكْ لِقَوْمٍ جُلُّ أُنْبِيَتِهِمُ الْخَرْفُ. (بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۳۰)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، مشتکی از درهم‌ها را برداشت و ابوبکر را صدا زد و آنها را به او داد و فرمودند: ای ابابکر! با این درهم‌ها برای دخترم، آنچه را که برای خانه‌اش لازم است خریداری کن. سلمان فارسی و بلال را نیز همراه او کرد تا در حمل آنچه می‌خرد کمکش کنند. ابوبکر می‌گوید: درهم‌هایی را که رسول خدا صل الله علیه و آله به من داد شصت و سه درهم بود. من رفتم و بستری از خیش مصری پر شده با پشم، یک سفره چرمین، یک بالین پر شده از لیف درخت خرما، یک چادر خیبری، یک مشک آب، چند کوزه و سیو، یک آفتابه و یک پرده پشمی نازک خریدم و با هم آنها را آوردیم و در برابر رسول خدا صلی الله علیه و آله نهادیم. رسول خدا صلی الله علیه و آله با دیدن آنها گریه‌اش گرفت و اشک‌هایش جاری شد. سپس سرش را به سوی آسمان برداشت و فرمودند: بار خدایا! به قومی که بیشترین ظرف‌های آنها از سفال است، برکت بده.

جهیزیه که در واقع اسباب و اثاثیه لازم برای خانه داری است، جزوه نفقه‌ی زن به حساب می‌آید. زیرا نفقه در فقه اسلامی شامل مسکن، غذا، لباس و لوازم منزل می‌باشد، که باید متناسب با شأن زن باشد. در شرع مقدس اسلام مرد دو تکلیف مالی دارد؛ مهریه و نفقه. با توجه به مفهوم نفقه، تهیه کلیه لوازم و مایحتاج زن در خانه بر عهده سرپرست خانواده یعنی همسر اوست.

جهیزیه دادن نباید بر مبنای چشم و هم‌چشمی باشد تا باعث روی گردانی جوانان از ازدواج شود. جهیزیه زیاد و همراه با تجمل ارزش زن را بالا نمی‌برد، بلکه آنچه ارزش انسان را بالا می‌برد، تقوا، اخلاق و منش او در زندگی است. اما متأسفانه این چشم و هم‌چشمی‌ها و فرهنگ و رسوم اجتماعی، خانواده‌ها را تحت فشار گذاشته و هزینه‌های تشریفاتی و اضافی بر عهده آنان گذاشته و باعث تحمیل هزینه‌های بسیاری بر جوانان می‌شود.

ب: بی منت بودن

خداوند متعال در آیه ۲۶۴ سوره بقره فرموده است:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَبْطُلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَىٰ كَالَّذِي يُنْفِقُ مَالَهُ رِثَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُ
بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ صَفْوَانٍ عَلَيْهِ تُرَابٌ فَأَصَابَهُ وَابِلٌ فَتَرَكَهُ صَلْدًا لَا يَقْدِرُونَ عَلَىٰ
شَيْءٍ مِّمَّا كَسَبُوا وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ.

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، همانند آن کس که اموال خود را از روی ریا و خودنمایی انفاق می‌کند و به خدا و روز قیامت ایمان ندارد، صدقه‌های خویش را به منت نهادن و آزار رسانیدن باطل مکنید مثل او مثل سنگ صافی است که بر روی آن خاک نشسته باشد به ناگاه بارانی تند فرو بارد و آن سنگ را همچنان کشت ناپذیر باقی گذارد چنین کسان از آنچه کرده‌اند سودی نمی‌برند، که خدا کافران را هدایت نمی‌کند.

اگرزنی همراه خود اسباب و وسایلی به عنوان جهیزه به خانه‌ی شوهرمی‌آورد، باید این اسباب و وسایل موجب راحتی و آسایش هر دوی آنها شود. اما اگر این وسایل تبدیل به ابزاری برای توهین و تحقیر مرد شوند، آسایش و خوشبختی

و راحتی از زندگی آنها رخت بر بسته و دعا و مشاجره جایگزین آن شده و در نهایت ناامیدی و شکست به زندگی آنها خاتمه می‌دهد.

رسول خدا ﷺ در این باره فرمودند:

لَوْ أَنَّ جَمِيعَ مَا فِي الْأَرْضِ مِنْ ذَهَبٍ وَ فِضَّةٍ حَمَلَتْهُ الْمَرْأَةُ إِلَى بَيْتِ زَوْجِهَا ثُمَّ ضَرَبَتْ عَلَى رَأْسِ زَوْجِهَا يَوْمًا مِنَ الْأَيَّامِ تَقُولُ مَنْ أَنْتَ إِنَّمَا الْمَالُ مَالِي حَبِطَ عَمَلُهَا وَ لَوْ كَانَتْ مِنْ أَعْبَدِ النَّاسِ إِلَّا أَنْ تُتُوبَ وَ تَرْجِعَ وَ تَعْتَذِرَ إِلَى زَوْجِهَا.

(مکارم الاخلاق، ص ۲۰۲)

اگر تمام چیزهایی که در روی زمین از طلا و نقره وجود دارد و زن آن را به خانه شوهر بیاورد. آنگاه یک روز از روزها بر سر شوهرش منت بگذارد و بگوید تو کیستی؟ این اموال مال من است. در این صورت اجر و عمل زن از بین می‌رود اگر چه از عابدترین مردم باشد. مگر اینکه توبه کند و برگردد و از شوهرش عذر خواهی کند.

مراسم جشن ازدواج

در دین اسلام مبحث ازدواج از اهمیت و تأثیر بسیاری در زندگی دنیوی و اخروی انسان برخوردار است. این اهمیت نه تنها در کلیت موضوع بلکه در جزئیات آن و موضوعات مرتبط با آن نیز بیان گردیده است. مثلاً آنگونه که در فرهنگ مادی گرای غرب دیده می‌شود، جشن ازدواج و عروسی تنها یک جشن ویژه برای شادی و پایکوبی است، در صورتی که اسلام با دیدی الهی و جامع به این موضوع پرداخته است. اسلام بر اصل شادی در زندگی و به ویژه در مراسم ازدواج اصرار دارد، اما با ابراز شادی به هر شکلی و با هر قیمتی موافق نیست. و از طرفی بر خلاف دیدگاه فرهنگ غرب، مراسم ازدواج یک موضوع مادی صرف نیست، بلکه یک امر روحانی و معنوی نیز تلقی می‌شود.

در معنویت امر جشن ازدواج همین بس که وعده‌گاه نزول رحمت خاص الهی است.

پیامبر خدا ﷺ فرمودند:

يُفْتَحُ أَبْوَابُ السَّمَاءِ بِالرَّحْمَةِ فِي أَرْبَعِ مَوَاضِعَ عِنْدَ نَزُولِ الْمَطَرِ وَ عِنْدَ نَظَرِ الْوَالِدِ فِي وَجْهِ
الْوَالِدَيْنِ وَ عِنْدَ فَتْحِ بَابِ الْكَعْبَةِ وَ عِنْدَ النِّكَاحِ.
(بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۲۱)

درهای رحمت آسمانی در چهار وقت گشوده می شود، موقع بارش باران، زمانی که فرزند به چهره پدر و مادرش می نگرند، هنگام گشوده شدن در کعبه و هنگام برپایی مراسم عقد و عروسی.

خداوند متعال دارای رحمت بی نهایت است. همه انسان ها به فراخور ظرفیتشان از مواهب و نعمت های الهی بهره مند می گردند. البته باید گفت رحمت عام خداوند بر هر انسان با هر ایده و تفکری جاری و ساری است، اما انسان به قدر و ظرفیت وجودی خود از رحمت خاص خدا بهره مند خواهد شد.

بهترین زمان برای برگزاری مراسم ازدواج

اسلام به جزئی ترین مسائل در زندگی انسان دقت فراوان دارد. یکی از ظریف ترین مسائلی که دین ما بر آن تاکید دارد، انتخاب اوقات مناسب و میمون برای برگزاری مراسم عقد و عروسی است. و از ازدواج در برخی از زمان ها منع نموده است. امیرالمومنین علی (علیه السلام) بهترین زمان برای ازدواج را روز جمعه بیان نمودند و فرمودند:

يَوْمُ الْجُمُعَةِ يَوْمٌ خَيْرٌ مِنْ خَيْرِ النَّكَاحِ.
(مکارم الاخلاق، فصل اول، ص ۲۴۱)

روز جمعه، روز خواستگاری و ازدواج است.

در دین مبین اسلام توصیه شده است که مراسم عروسی در شب برگزار شود، زیرا برای مراسم زفاف به ویژه برای دختران و پسران جوانی که می خواهند زندگی مشترک خود را به تازگی شروع کنند، شب دارای آرامش بیشتری است.

امام رضا علیه السلام در این باره فرمودند:

إِنَّ مِنْ السُّنَّةِ التَّرْوِيجَ بِاللَّيْلِ لِأَنَّ اللَّهَ جَعَلَ اللَّيْلَ سَكَنًا وَالنَّسَاءُ إِنَّمَا هُنَّ سَكَنٌ.

(کافی، ج ۵، ص ۳۶۶)

ازدواج کردن در شب از سنت من است. زیرا خداوند شب را مایه آرامش قرار داده و زنان در حقیقت همان مایه آرامش اند.

شب بیداری تنها برای برخی اعمال مجاز است که مراسم ازدواج یکی از آنان است. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

لَا سَهْرَ إِلَّا فِي ثَلَاثٍ مُتَهَجِّدٍ بِالْقُرْآنِ أَوْ فِي طَلَبِ الْعِلْمِ أَوْ عَرُوسٍ تُهْدَى إِلَيْ زَوْجِهَا.

(وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۹۲)

شب بیداری روا نیست، مگر در سه مورد: تلاوت قرآن، تحصیل علم و بردن عروس به خانه همسرش.

اما ازدواج در برخی زمانها و ایام سال خوشیمن نبوده، و بهتر است به زمانی مناسب موقوف شود. امام صادق علیه السلام فرمودند:

مَنْ سَافَرَ أَوْ تَزَوَّجَ وَالْقَمَرُ فِي الْعَقْرِ لَمْ يَرِ الْحُسْنَى.

(کافی، ج ۸، ص ۲۷۵)

هر کس در هنگامی که قمر در عقرب باشد مسافرت یا ازدواج نماید، خیری نمی بیند.

شادمانی در عروسی

از دیدگاه اهل بیت علیهم السلام عملی پسندیده و موجه است که انسان را به فضل و کمال نزدیکتر نماید. اگر شادی و شادمانی و مسیبه‌های دستیابی به آن رضای خداوند متعال را در بر داشته باشد، انسان را به کمال حقیقی خویش نزدیکتر خواهد نمود. در آیات و روایات درباره نفس عمل شادی کردن هیچ نکوهشی نشده است، بلکه اعمال و شادی‌هایی که انسان را از یاد خدا غافل کند و گرفتار عوامل مادی و مشغول و سرگرم به غیر خدا و آخرت نماید مذموم و ناپسند

دانسته شده است. متأسفانه در بین عوام جامعه غنا نیز ابزاری برای دستیابی به احساس شادی می باشد. در صورتی که دین اسلام بین احساس هیجان ناشی از موسیقی غنا و شادمانی دو مفهوم کاملاً متمایز تبیین می نماید، که اولی حرام ولی دیگری حلال و حتی اگر موجب شادی و مسرت دیگران گردد عملی مستحب است. از دیدگاه اسلام مراسم عروسی باید عاری از اختلاط مرد و زن نامحرم، رقص، آواز و موسیقی‌های حرام و ایجاد مزاحمت برای دیگران باشد.

امام باقر علیه السلام در این باره فرمودند:

الْغِنَاءُ مِمَّا وَعَدَ اللَّهُ عَلَيْهِ النَّارَ وَ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ؛ "وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ
عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ".

(وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۳۰۴)

غنا و آوازه خوانی از جمله گناهانی است که خداوند برای آن وعده آتش داده است، سپس این آیه را تلاوت فرمود: «برخی از مردم کسانی هستند که سخن بیهوده را می خرند تا دیگران را از روی نادانی از راه خدا گمراه کنند و آیات الهی را به استهزاء گیرند، برای آنان عذابی خوارکننده خواهد بود.

از نظر اسلام جشن گرفتن برای ازدواج، مستحب است و بهتر است مسلمانان در مناسبت‌های شاد مثل میلاد ائمه اطهار علیهم السلام جشن‌های خود را برگزار نمایند و با دعوت و پذیرایی از اقوام و آشنایان، دیگران را هم در شادی و سرور خود شریک نمایند. شادی کردن در مراسم عروسی باید توأم با وقار و حفظ کرامت و شخصیت انسان و به دور از گناه، موسیقی‌های حرام، لهو و لعب و بی بند و باری باشد.

حاضرین در مجلس غنا از رحمت خداوند دور خواهند بود. امام صادق علیه السلام فرمودند:

الْغِنَاءُ مَجْلِسٌ لَا يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَى أَهْلِهِ.

(کافی، ج ۶، ص ۴۳۳)

مجلس غناء مجلسی است که خداوند به اهل آن نظر (لطف و رحمت) نمی‌کند.

سیره رسول خدا ﷺ در برگزاری مراسم عروسی حضرت زهرا علیها السلام نشان دهنده‌ی عدم مخالفت این دین آسمانی با اصل شادی به خصوص در مراسم جشن عروسی است. پیامبر اکرم ص فرمودند:

أَمَرَ النَّبِيُّ ص بَنَاتِ عَبْدِ الْمُطَلِّبِ وَنِسَاءَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ أَنْ يَمْضِينَ فِي صُحْبَةِ فَاطِمَةَ وَ
أَنْ يَفْرَحْنَ وَيَرْجُزْنَ وَيُكَبِّرْنَ وَيَحْمَدْنَ وَلَا يَقْلُنَّ مَا لَا يُرْضِي اللَّهَ. (بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۱۵)

رسول اکرم صلی الله علیه و آله دستور داد دختران عبد المطلب و زنان مهاجر و انصار در شب عروسی همراه حضرت زهرا علیها السلام بوند و در مجلس عروسی شادی کنند، شعر بخوانند، الله اکبر و الحمد لله بگویند، اما زنان مواظب باشند چیزی که خداوند از آن راضی نیست، نگویند.

همچنین امام صادق علیه السلام در این باره فرمودند:

لَمَّا زُفَّتْ فَاطِمَةُ إِلَى عَلِيٍّ ع نَزَلَ جِبْرَائِيلُ وَمِيكَائِيلُ وَإِسْرَافِيلُ وَنَزَلَ مَعَهُمْ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ
فَقَالَ قُدِّمَتْ بَعْلَةُ رَسُولِ اللَّهِ ص ذُلُومٌ وَعَلَيْهَا شَمْلَةٌ فَأَمْسَكَ جِبْرَائِيلُ بِاللِّجَامِ وَأَمْسَكَ
إِسْرَافِيلُ بِالرِّكَابِ وَأَمْسَكَ مِيكَائِيلُ بِالثَّفْرِ وَرَسُولُ اللَّهِ ص يُسَوِّي عَلَيْهَا ثِيَابَهَا فَكَبَّرَ جِبْرَائِيلُ
وَكَبَّرَ إِسْرَافِيلُ وَكَبَّرَ مِيكَائِيلُ فَكَبَّرَتِ الْمَلَائِكَةُ وَجَرَتِ السُّنَّةُ بِالتَّكْبِيرِ فِي الزَّفَافِ إِلَى يَوْمِ
الْقِيَامَةِ. (بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۳۹)

وقتی که شب عروسی حضرت فاطمه علیها السلام با علی علیه السلام فرا رسید، جبرئیل و میکائیل و اسرافیل در حالی که هفتاد هزار فرشته آنان را همراهی می‌کردند، نازل شدند و جلوی آنها قاطر رسول خدا صلی الله علیه و آله که به آن دل دل می‌گفتند که حضرت بتول علیها السلام بر آن سوار بود، به طوری که ایشان کاملاً پوشیده بودند. در این هنگام جبرئیل دهانه اسب و اسرافیل رکاب و میکائیل به دنبال آن بود و رسول الله صلی الله علیه و آله نیز پارچه‌ای روی دل دل انداخته بودند. جبرئیل تکبیر گفت و سپس اسرافیل و پس از آن میکائیل تکبیر گفت و آنگاه فرشتگان نیز تکبیر گفتند و بر این اساس «سنت» است که در شب عروسی تکبیر گفته شود.

ولیمه دادن

یکی از سنت‌های پسندیده در دین اسلام ولیمه است. ولیمه دادن یعنی دعوت عده‌ای از مؤمنین، همسایگان، خویشان و فقرا به صرف غذا. رسول خدا ﷺ در باره‌ی مواقع استحباب دادن ولیمه فرمودند:

لَا وَلِيمَةَ إِلَّا فِي خَمْسٍ فِي عُرْسٍ أَوْ خُرْسٍ أَوْ عِدَارٍ أَوْ وَكَارٍ أَوْ رِكَازٍ فَالْعُرْسُ التَّرْوِيجُ وَ
الْخُرْسُ النَّفَاسُ بِالْوَلَدِ وَالْعِدَارُ الْخِتَانُ وَالْوَكَارُ الرَّجُلُ يَشْتَرِي الدَّارَ وَالرِّكَازُ الرَّجُلُ يَقْدَمُ مِنْ
مَكَّةَ.

(وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۹۵)

ولیمه دان، تنها در پنج مورد است: در عرس، خرس، عذار، وکار و رکاژ. عرس: هنگام ازدواج است؛
خرس: زمان تولد فرزند؛ عذار: هنگام ختنه کردن؛ وکار: هنگام خرید خانه؛ رکاژ: هنگام بازگشت از مکه.

ولیمه جشن عروسی از سوی عروس و داماد و برای بزرگداشت زن و به رسمیت شناخته شدن ازدواج آنها صورت
می‌گیرد. ولیمه و گستردن سفره و غذا دادن به دیگران در هنگام مراسم ازدواج و عروسی، از شیوه‌های مطلوب و
پسندیده و نشانه کرامت و بزرگواری است.

اطعام از سیره انبیاء و از سفارشات دین اسلام به مسلمانان است. پیامبر اکرم ﷺ فرمودند:

إِنَّ مِنْ سُنَنِ الْمُرْسَلِينَ الْأَطْعَامَ عِنْدَ التَّرْوِيجِ.

(اصول کافی، ج ۵، ص ۳۶۷)

اطعام در ازدواج از سنت پیامبران است.

و امام رضا علیه السلام در این باره فرمودند:

مِنَ السُّنَّةِ إِطْعَامُ الطَّعَامِ عِنْدَ التَّرْوِيجِ.

(تحف العقول، ص ۴۴۵)

از جمله سنت‌های اسلامی به هنگام ازدواج طعام است.

در خصوص زمان دادن ولیمه در روایات اسلامی بیان شده، که مناسب است ولیمه عروسی در روز داده شود، زیرا غذا
دادن در شب باعث طولانی‌تر شدن مراسم و از طرفی اختلال در خواب و استراحت همگان و مانع عبادت و سایر
فعالیت‌های آنان می‌شود.

امام صادق علیه السلام در این باره فرمودند:

زُفُوا عَرَائِسَكُمْ لَيْلًا وَأَطْعِمُوا ضُحَى.

(بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۶۶)

در عروسی هایتان زفاف را در شب انجام دهید، اما ولیمه و غذای عروسی را در روز بدهید.

ولیمه دادن آثار و برکات بیشماری در زندگی انسان دارد که تجدید دیدار و صلح رحم، آگاهی مردم از ازدواج این زوج و شرکت در مراسم شادی آنها و تشویق سایر جوانان به ازدواج از مهم ترین آن به شمار می روند.

از برکات معنوی مراسم ازدواج این است که نظر و رحمت خاص خداوند متعال در لحظه لحظه این مراسم جلوه گر است. روایت شده، مردی نزد امام صادق علیه السلام شرفیاب شده و به ایشان عرضه داشت: در غذای عروسی رایحه‌ی مخصوصی استشمام می کنیم که در غذاهای دیگر آن را استشمام نمی کنیم، علت آن چیست؟ حضرت علیه السلام فرمودند:

مَا مِنْ عُرْسٍ يَكُونُ يُنْحَرُ فِيهِ جَزُورٌ أَوْ تُذْبِحُ بَقْرَةً أَوْ شَاةً إِلَّا بَعَثَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى مَلَكًا مَعَهُ قِيرَاطٌ مِنْ مِسْكِ الْجَنَّةِ حَتَّى يُدْفِقَهُ فِي طَعَامِهِمْ فَتِلْكَ الرَّائِحَةُ الَّتِي تُشَمُّ لِذَلِكَ.

(کافی، ج ۶، ص ۲۸۲)

زیرا هنگامی که برای عروسی شتری نحر و یا گاو و گوسفندی ذبح می گردد و غذائی از آن تهیه می شود. خدای متعال ملکی را به زمین می فرستد که به همراه آن ملک، قیراطی از مشک بهشت می باشد. و آن ملک آن مشک را با آن غذا مخلوط می سازد و این رائحه‌ای که از آن غذا استشمام می شود از آن مشک است.

اگرچه اطعام و ولیمه دادن در اسلام امری مستحب تلقی می شود، اما متأسفانه این امر هم مانند بسیاری از فرائض و مستحبات دینی از انحراف و چشم و هم چشمی مصون نبوده و دچار افراط و تفریط گردیده است. چه بسیار افرادی که به عنوان عمل به امر مستحبی مانند اطعام، دچار اصراف و تبذیر می گردند. ازدواج حضرت علی علیه السلام و حضرت فاطمه زهرا علیهما السلام به عنوان الگویی مناسب برای همه مسلمانان در اوج سادگی از جلوه های بسیاری برخوردار بود.

امام صادق علیه السلام درباره سادگی آداب ولیمه و اطعام مراسم ازدواج حضرت علی علیه السلام و حضرت فاطمه علیها السلام و برکات این مراسم فرمودند:

قَالَ عَلِيُّ ثُمَّ قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ يَا عَلِيُّ اصْنَعْ لِأَهْلِكَ طَعَامًا فَاضِلًا ثُمَّ قَالَ مِنْ عِنْدِنَا اللَّحْمُ وَالْخُبْزُ وَعَلَيْكَ التَّمْرُ وَالسَّمْنُ. ... ثُمَّ قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ ص ادْعُ مَنْ أَحْبَبْتَ فَاتَيْتُ الْمَسْجِدَ وَهُوَ مُسَحَّنٌ بِالصَّحَابَةِ فَأَحْبَبْتُ [فَحَبِيتُ] أَنْ أَشْخِصَ قَوْمًا وَأَدْعَ قَوْمًا ثُمَّ صَعِدْتُ عَلَى رُبُوعٍ هُنَاكَ وَنَادَيْتُ أَجِيبُوا إِلَيَّ وَلَيْمَةَ فَاطِمَةَ فَأَقْبَلَ النَّاسُ أَرْسَالًا فَاسْتَحَبَّيْتُ مِنْ كَثَرَةِ النَّاسِ وَقَلَّةِ الطَّعَامِ فَعَلِمَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَا تَدَاخَلَنِي فَقَالَ يَا عَلِيُّ إِنِّي سَأَدْعُو اللَّهَ بِالْبَرَكَةِ قَالَ عَلِيُّ فَأَكَلَ الْقَوْمُ عَنْ آخِرِهِمْ طَعَامِي وَشَرِبُوا شَرَابِي وَدَعَوْا لِي بِالْبَرَكَةِ وَصَدَرُوا وَهُمْ أَكْثَرُ مِنْ أَرْبَعَةِ آلَافِ رَجُلٍ وَلَمْ يَنْقُصْ مِنَ الطَّعَامِ شَيْءٌ.

علی علیه السلام فرمود: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به من فرمود: ای علی! برای خانواده‌ات، غذایی آبرومند تهیه کن و سپس افزود: گوشت و نان از ما، خرما و روغن، بر عهده تو. ... سپس پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به من فرمود: هر کس را که می خواهی، دعوت کن. من به مسجد رفتم. مسجد پر از صحابه بود. خجالت کشیدم که عده‌ای را دعوت کنم و عده‌ای را واگذارم. پس بالای تپه‌ای که آن جا بود، رفتم و فریاد زدم: در ولیمه ازدواج فاطمه علیها السلام، حاضر شوید. مردم، گروه گروه آمدند. من از این که جمعیت زیاد بود و غذا اندک، خجالت زده شدم. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله دریافت که در دل من چه می گذرد. پس فرمود: ای علی! از خداوند، برکت خواهم خواست. علی علیه السلام فرمود: همه مردم تا آخرین نفر، از غذا و نوشیدنی من خوردند و نوشیدند و برایم طلب برکت کردند و همگی - که بیش از چهار هزار مرد بودند- رفتند، اما از غذا، هیچ کم نشده بود.

جایگاه استخاره در ازدواج

استخاره در لغت به معنای بهترین خواستن و خیر خواستن از خدا است و در اصطلاح دینی، واگذاردن انتخاب به خداوند در کاری است که انسان در انجام دادن آن درنگ و تأمل دارد. پس استخاره دارای دو معناست:

۱- طلب خیر نمودن از خداوند متعال در جمیع کارها و تمامی افعال. در روایات نیز بیشتر از این نوع استخاره یاد شده است. بنابراین، این نوع از استخاره برای رفع تحیر و سرگردانی نمی‌باشد.

امام صادق علیه السلام فرمودند:

صَلِّ رُكْعَتَيْنِ وَاسْتَخِرِ اللَّهَ فَوَاللَّهِ مَا اسْتَخَارَ اللَّهُ مُسْلِمًا إِلَّا خَارَ لَهُ الْبَيْتَةُ. (کافی، ج ۳، ص ۴۷۰)

دو رکعت نماز بخوان و از خدا طلب خیر کن. سوگند به خدا هیچ مسلمانی از درگاه خدا طلب خیر نکرد مگر اینکه قطعاً خداوند خیر او را فراهم سازد.

امام صادق علیه السلام در حدیثی از قول خداوند متعال فرمودند:

يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِنَّ مِنْ شَقَاءِ عَبْدِي أَنْ يَعْمَلَ الْأَعْمَالَ وَلَا يَسْتَخِيرَنِي.

(مستدرک الوسائل، ج ۶، ص ۲۶۲)

خداوند عز و جل فرمود؛ از بدبختی بنده من آن است که کاری از کارهایش را بدون استخاره (طلب خیر) از من انجام دهد.

۲- طلب خیر نمودن از خداوند متعال برای رفع تحیر، سرگردانی و دودلی است و مخصوص مواقعی است که انسان دچار شک و تردید است. انسان وقتی می‌خواهد کاری را انجام دهد، ابتدا باید از قوه‌ی تفکر و تعقل خود بهره‌مند شود. اگر چنانچه این نیروی درونی نتوانست او را یاری دهد باید از افرادی که صلاحیت مشورت دارند، کمک بگیرد و صلاح خود را از آنان جویا شود.

در قرآن کریم خداوند متعال به مومنان سفارش کرده است در کارها با یکدیگر مشورت کنید.

وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ.

(سوره شوری، آیه ۳۸)

و کسانی که دعوت پروردگارش را اجابت کردند، نماز می‌خوانند، در امورشان با یکدیگر مشورت می‌کنند و از آنچه به آنها انفاق کردیم روزی می‌کنند.

در مجموع در کارهای خیری که در آنها حیرت و ابهامی وجود ندارد، استخاره لازم نیست، لذا بهتر است انسان در اموری که می‌خواهد راجع به آنها تصمیم بگیرد، ابتدا تأمل و تفکر کند و با مشورت با افراد با تجربه و مورد اطمینان در مورد کار خود تصمیم‌گیری نماید، در صورتی که از راه اندیشه، تحقیق و مشورت چیزی دستگیرش نشد و تحیر او برطرف نشد، می‌تواند به خداوند مسبب الاسباب که عقل بی‌نهایت و آگاه مطلق است، متوسل شود، تا از راه استخاره با او، خیر خود را در انجام یا ترک کار در یابد. در مورد ازدواج هم انسان اول باید دست به تحقیق و بررسی بزند و بعد با افراد با صلاحیت و عاقل مشورت کند و چنانچه بعد از استمداد از تحقیق و استشاره باز هم مردد بود، در این جا است که می‌تواند استخاره کند. بنابراین استخاره جایگاه دارد. چنانچه استخاره در جایگاه خود انجام نشود، باطل است و چون از ادله شرعی نیست می‌توان به آن عمل نکرد و بهتر است به جای آن صدقه داد.

تأخیر در ازدواج به علت فوت بستگان

در دین مبین اسلام در مورد تأخیر ازدواج به علت فوت بستگان سخنی به میان نیامده است. بنابراین واجب یا حتی مستحب نیست که ما ازدواج را به تأخیر بیاندازیم و در صورت برگزاری مرتکب فعل حرام نیز نشده ایم. صبر کردن و به تأخیر انداختن ازدواج تنها یک مسئله اخلاقی و عرفی است. اما این کار اگر باعث شود مشکلاتی در زندگی دیگران به ویژه مسئله مهمی مانند ازدواج جوانان به وجود بیاید و روند عادی زندگی را مختل کند، پسندیده نیست. چنان که در کتاب‌های معتبر شیعی نقل شده است، عروسی حضرت فاطمه زهرا علیها السلام هفده روز پس از فوت خواهر ایشان و حدود بیست و پنج روز پس از غزوه بدر اتفاق افتاد که در آن حادثه چند تن از اصحاب و یاران نزدیک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در راه اسلام به شهادت رسیده بودند. لذا باید تا حد امکان موانع فرهنگی ازدواج جوانان را از مسیر زندگی آنان بر طرف نمود.

خود آزمایی:

- ۱- جایگاه دعا در امر ازدواج را در سیره اهل بیت علیهم السلام بیان کنید؟
- ۲- مشورت چه نقشی در ازدواج دارد؟
- ۳- مهریه چیست؟
- ۴- مقدار مهریه از دیدگاه اسلام چه قدر باید باشد؟
- ۵- مهر السنه چیست؟
- ۶- در روایات پاداش بخشیدن مهریه از سوی زنان چیست؟
- ۷- ویژگی های جهیزیه اسلامی چیست؟
- ۸- بهترین زمان برای برگزاری مراسم عروسی چه زمانی است؟
- ۹- دیدگاه اهل بیت علیهم السلام در مورد شادمانی در عروسی را توضیح دهید؟
- ۱۰- جایگاه استخاره را در امر ازدواج بیان کنید؟

کتابنامه

- ازدواج آسان و شیوه همسر داری، محمدی اشتهاردی، محمد، قم، انتشارات نبوی، ۱۳۷۱.
- ارشاد القلوب، دیلمی، حسن بن محمد، مترجم: عباس طباطبایی، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴.
- اصول کافی، کلینی، محمد بن یعقوب، قم: مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، ۱۳۸۷.
- بحار الأنوار، محمد باقر مجلسی، بیروت، نشر دار الإحياء التراث العربی، چاپ سوم، سال ۱۴۰۳.
- تحکیم خانواده، محمدی ری شهری، محمد، مترجم: حمید رضا شیخی، قم، دار الحدیث، ۱۳۸۷.
- تحف العقول، ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، مصحح علی اکبر غفاری، قم، نشر موسسه نشر اسلامی، ۱۳۶۳.
- سنن النبی، طباطبایی، محمد حسین، ترجمه و تحقیق: محمد هادی فقهی، تهران، اسلامی، ۱۳۹۰.
- شرح غررالحکم و دررالکلم، محمد خوانساری، جمال الدین، تهران، نشر دانشگاه تهران، ۱۳۷۳، ج ۵، ص ۲۵۷۸ و ۲۵۷۷، ش ۸۹۲۱ و ۸۹۲۳.
- مکارم الاخلاق، طبرسی، حسن بن فضل، بیروت، نشر موسسه الاعمی للمطبوعات، ۱۳۹۲ق.
- مستدرک الوسائل، نوری طبرسی، حسین، قم: نشر موسسه آل البيت (ع)، ۱۳۷۳.
- نهج البلاغه، سید رضی، محمد بن ابی احمد موسوی، ترجمه محمد دشتی، قم: انتشارات مشرقین، چاپ دانش، چاپ چهارم، ۱۳۷۹.
- نظام خانواده در اسلام، انصاریان، حسین، قم، ام ابیها، ۱۳۷۶.
- وسائل الشیعه، حر عاملی، محمد بن حسن، قم: موسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان، ۱۳۸۷.